

بررسی مشکل زیست محیطی دریاچه ارومیه از منظر حقوق بین الملل محیط زیست

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» (آیه ۳۰ سوره الأنبیاء)

حجت سلیمی ترکمانی*

چکیده

تالاب‌ها یکی از ارزشمندترین اکوسیستم‌های زمین هستند. نیاز به حفاظت از این اکوسیستم‌های غنی، جامعه بین‌المللی را به سمت تهیه کنوانسیون رامسر در حفاظت از تالاب‌ها در سال ۱۹۷۱ رهنمون ساخت. این کنوانسیون به عنوان مهم‌ترین و تنها کنوانسیون ناظر بر حفاظت از تالاب‌ها، همه دولت‌های عضو خود، از جمله ایران را متعهد به استفاده معقول از تالاب‌ها می‌نماید. علی‌رغم وجود این تعهد، دریاچه ارومیه، به عنوان یکی از مهم‌ترین تالاب‌های ایرانی ثبت شده در کنوانسیون رامسر بنا به دلایل متعدد، از جمله اجرای پروژه‌های توسعه‌ای - اقتصادی، نظیر احداث بزرگراه شهید کلانتری روی دریاچه و سدهای متعدد مخرنی روی رودخانه‌های تغذیه‌کننده آن با مشکل خشکیدن مواجه شده است. به نظر می‌رسد انجام پروژه‌های اقتصادی واجد آثار شدید زیست محیطی در دریاچه ارومیه مغایر با تعهد به استفاده معقول از دریاچه و سایر اصول و قواعد عام حقوق بین الملل محیط زیست باشد. ایران بایستی در راستای بهبود وضعیت دریاچه ارومیه از ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی موجود استفاده نماید.

واژگان کلیدی

حقوق بین الملل محیط زیست، تالاب‌های بین‌المللی، دریاچه ارومیه، کنوانسیون رامسر، ارزیابی آثار زیست محیطی، ویژگی‌های اکولوژیکال.

* عضو بنیاد استعدادهای درخشان دانشگاه علامه و دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی
Email: h.salimy@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۲۵

تاریخ ارسال: ۸۹/۰۵/۱۵

فصلنامه راهبرد / سال بیستم / شماره ۵۸ / بهار ۱۳۹۰ / صص ۲۰۲-۱۷۷

مقدمه

تالاب تعاریف گوناگونی دارد، اما در متداول ترین تعریف خود که در ماده یک «کنوانسیون رامسر»^(۱) نیز آمده است، عبارت است از «مناطق پوشیده از مرداب، باتلاق، لجن زار یا آبگیرهای طبیعی و مصنوعی اعم از دائمی یا موقت که در آن آب های شور یا شیرین به صورت راکد یا جاری یافت می شود؛ از جمله شامل آبگیرهای دریایی که عمق آنها در پایین ترین حد جزر از شش متر تجاوز نکند». تالابها مناطقی هستند که آب عامل اصلی کنترل محیط زیست و حیات جانوری و گیاهی همراه آنها می باشد (Ministry of Government of Environment and Forests India, 2009, p.2). تالابها اکوسیستم های با ارزشی هستند که در بین انواع اکوسیستم های طبیعی از کارکردهای بسیار متنوعی برخوردارند و علاوه بر حفاظت از تنوع زیستی، دارای ارزش های طبیعی، اقتصادی و اجتماعی متعدد دیگری نیز می باشند. اهمیت تالابها زمانی بیشتر مشخص می شود که توجه داشته باشیم بیش از یک سوم جمعیت جهان در حاشیه تالابها، اعم از رودخانه ها، برکه ها و سواحل زندگی می کنند (نظری دوست، ۱۳۸۸، ص ۱). تالابها به دلیل

تدارک و تنظیم آب نقش اساسی در حفظ تنوع زیستی داشته و به لحاظ تنوع زیستی، غنی تر از زمین های مجاور می باشند. مطالعات اقتصادی حاکی از آن است که یک تالاب حدود ۱۰ برابر جنگل ها و ۲۰۰ برابر زمین های زراعی ارزش اقتصادی دارد (طرح حفاظت از تالاب های ایران، ۱۳۸۸، ص ۶).

با وجود این، این اکوسیستم های غنی با مخاطرات زیادی مواجه هستند. یکی از تهدیدات اصلی برای حیات تالابها فعالیت های بشری است (Sands, 2003, p.544). این گونه فعالیت ها، عمدتاً در قالب پروژه های عمرانی - توسعه ای، بدون توجه به ابعاد و آثار زیست محیطی آنها صورت می گیرد. انجام چنین پروژه های، علی رغم آثار مفید اقتصادی، بدون توجه به تبعات زیست محیطی می تواند تهدیدی اساسی برای حفاظت از این اکوسیستم های بارز باشد. یکی از مهم ترین تالاب های بین المللی که به دلیل عوامل متعدد، از جمله اجرای پروژه های عمرانی، در سال های اخیر در معرض نابودی قرار گرفته است، دریاچه ارومیه می باشد. روند وضعیت نامطلوب دریاچه ارومیه از یک دهه پیش شروع شده و روز به روز وخیم تر می شود؛ به طوری که با این روند فعلی احتمال خشکیدن کامل دریاچه

بین‌الملل خاص حاکم بر حفاظت از تالاب‌ها، کنوانسیون رامسر، به قضیه پرداخته شود.

۱-۱- کنوانسیون رامسر؛ حقوق بین‌الملل خاص حاکم بر حفاظت از تالاب‌ها

کنوانسیون رامسر، به عنوان تنها کنوانسیون جهانی پایه‌گذاری شده در ایران، قدیمی‌ترین معاهده بین‌الدولی جهانی با تأکید بر حفاظت و استفاده پایدار از طبیعت و تنها کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از تالاب‌هاست. گرچه نام رسمی کنوانسیون «کنوانسیون تالاب‌های با اهمیت بین‌المللی به ویژه به عنوان زیستگاه پرندگان آبی» است، ولی طی گذشت سال‌ها، کنوانسیون نگرش خود را چنان گسترش داده که تمام ابعاد حفاظت و استفاده معقول و پایدار از تالاب‌ها را دربرمی‌گیرد. از این رو به «کنوانسیون حفاظت از تالاب‌ها» یا «کنوانسیون رامسر» شهرت دارد (Farantouris, 2009, p.33). کنوانسیون رامسر در دوم فوریه ۱۹۷۱ (۱۳ بهمن ۱۳۴۹) منعقد و در ۲۱ دسامبر ۱۹۷۵ لازم‌الاجرا شد. بنابراین، دوم فوریه (۱۳ بهمن) روز جهانی تالاب‌ها نامیده می‌شود. محل انعقاد این کنوانسیون شهر رامسر ایران، محل دبیرخانه آن شهر گلاند سوییس و

ارومیه ظرف چندین سال آینده دور از انتظار نیست.

این مقاله تلاش دارد جایگاه تالاب‌ها در منظومه حقوق بین‌الملل را تبیین کند و نشان دهد حقوق بین‌الملل محیط زیست برای حمایت و حفاظت از تالاب‌های واقع در قلمرو سرزمینی کشورها، نظیر دریاچه ارومیه، چه تعهداتی را برای کشورها بار می‌کند و چه راهکارهایی برای نجات تالاب‌ها ارائه می‌دهد.

۱- حفاظت از تالاب‌ها در حقوق بین‌الملل محیط زیست

حقوق بین‌الملل محیط زیست در خصوص حوزه‌های مختلف هم شامل قواعد عام و هم قواعد خاص می‌باشد. قوانین خاص در مقایسه با قوانین عام معمولاً اساسی‌تر، مؤثرتر و نزدیک‌تر به موضوع بوده و وضوح و قطعیت زیادی دارند؛ بنابراین الزام‌آورتر و سخت‌تر از قوانین عام تلقی می‌شوند (koskenniemi, 2006, p.4). در این میان مقوله حفاظت از تالاب‌ها یکی از حوزه‌هایی هست که علاوه بر اصول و قواعد کلی محیط زیست، به موجب کنوانسیون رامسر، دارای نظام حقوقی خاص خود نیز هست. در این نوشتار تلاش می‌شود عمدتاً از منظر حقوق

مرجع نگهدارنده اسناد، سازمان جهانی یونسکو است و اجلاس های آن موسوم به «کنفرانس کشورهای عضو» هر سه سال یکبار درباره موضوعات، خط مشی و ارائه گزارش فعالیت های سه سال گذشته در خصوص حفاظت از تالابها برگزار می شود. تا به حال ۱۰ کنفرانس دولت های عضو^(۲) برگزار شده که آخرین آن در سال ۲۰۰۸ در «چاگ ون» جمهوری کره بود. این معاهده ۱۶۰ کشور عضو را ملزم به تعیین و حفظ تالاب های با اهمیت بین المللی و تشویق به استفاده معقول از آنها می نماید. در حال حاضر ۱۸۹۶ سایت با مساحت ۱۸۵.۵ میلیون هکتار در این کنوانسیون به ثبت رسیده اند.^(۳)

مأموریت کنوانسیون رامسر حفاظت و استفاده معقول از تالابها از طریق اقدامات محلی، ملی و همکاری های بین المللی به عنوان گامی در نیل به توسعه پایدار در سرتاسر جهان می باشد. دبیرخانه کنوانسیون رامسر در راستای اجرای مأموریت خود با نهادها و ارگان های مختلفی در مجموعه سازمان ملل متحد همکاری می کند.^(۴) بر طبق این کنوانسیون، دولت های طرف معاهده به موارد زیر متعهد هستند: (۱) ثبت حداقل یک سایت واجد معیارهای کنوانسیون

رامسر در فهرست تالاب های با اهمیت بین المللی؛ (۲) ترویج حفاظت و استفاده معقول از تالابها؛ (۳) گنجاندن حفاظت از تالابها در طرح های ملی؛ (۴) ایجاد مناطق حفاظت شده طبیعی تالابی و ترویج آموزش در زمینه بهره برداری از تالابها و (۵) مشاوره با دولت های عضو کنوانسیون در خصوص نحوه اجرای کنوانسیون رامسر.

در خصوص درج نام یک تالاب در فهرست رامسر بایستی به چند نکته زیر توجه داشت: ۱. درج یک تالاب در این فهرست خدش های به حقوق حاکمه آن کشور در خصوص تالاب واقع در قلمرو سرزمینش وارد نمی کند. کنوانسیون رامسر حاکمیت سرزمینی روی تالاب های با اهمیت بین المللی را با مسئولیت آن دولت در حفاظت از آن اکوسیستم و استفاده معقول از آن پیوند داده است (Timoshenko, 1988, p.466). این بدین معناست که هرگونه کوتاهی و نقصان در حفاظت از تالابها منجر به مسئولیت بین المللی آن کشور می شود. ۲. تالاب های مندرج در سایت رامسر وضعیت جدیدی را در سطح ملی کسب می کنند و از سوی جامعه بین المللی واجد ارزشی برجسته نه تنها برای یک کشور یا کشورهایی صاحب تالاب، بلکه برای بشریت در کل تلقی

۱-۲-۱- استفاده معقول و حفظ

ویژگی‌های اکولوژیکال تالاب: استفاده

معقول در متن اصلی کنوانسیون به صورت کلی مطرح شده و تنها در طول کنفرانس دولت‌های متعاقد این مفهوم تبیین شده است. مفهوم استفاده معقول برای اولین بار در نشست سوم کنفرانس دولت‌های متعاقد در رجینای کانادا در سال ۱۹۷۵ به عنوان «بهره‌برداری پایدار از تالاب‌ها به نفع بشریت به روشی سازگار با حفظ ویژگی‌های اکولوژیکال اکوسیستم» تعریف شده است. ویژگی‌های اکولوژیکال هم به شکل زیر تعریف شده است: «ساختار و روابط متقابل میان اجزاء بیولوژیکی، شیمیایی و فیزیکی تالاب»^(۶) از این رو با ادغام این دو تعریف می‌توان به این نتیجه رسید که هدف از حفاظت از تالاب‌ها و استفاده معقول از آنها «جلوگیری از تغییر در ویژگی‌های اکولوژیکال تالاب‌ها می‌باشد». در واقع در یک تالاب خصوصیات زیست‌محیطی و شرایط حیاتی را تغییرات رژیم آب کنترل می‌نماید و به عبارتی آب نقش تعیین‌کننده‌ای در مورد ویژگی‌های حیاتی تالاب‌ها ایفاء می‌کند. تغییرات آب به لحاظ کمی و کیفی (حجم آب، شوری، درجه حرارت و ...) ممکن است طولانی‌مدت باشد

می‌شوند و ۳. تالاب‌هایی که به دلایل مختلف نظیر بهره‌برداری نادرست، خشکسالی، تهدیدها و معضلات زیست‌محیطی در معرض خطر و نابودی قرار می‌گیرند، جای خود را در فهرست رامسر از دست داده و در فهرست جدیدی به نام فهرست مونترو^۱ (لیست تالاب‌های در معرض خطر و نابودی) قرار می‌گیرند. در این حالت بنابر توصیه دولت مربوطه و مشورت با دفتر کنوانسیون با ورود نام تالاب به فهرست مونترو، اقدامات فوری اغلب توسط سایر اعضاء کنوانسیون برای بهبود وضع تالاب انجام می‌پذیرد.^(۵)

۱-۲- استفاده معقول؛ قلب

کنوانسیون رامسر

مهم‌ترین تعهد دولت‌های عضو کنوانسیون رامسر در خصوص تالاب‌های مندرج در سایت رامسر، تعهد به «استفاده معقول»^۲ از تالاب‌های واقع در قلمرو سرزمینی‌اش می‌باشد. در ماده ۳ کنوانسیون، حفاظت از تالاب‌ها در موازات استفاده معقول از آنها مطرح شده است. استفاده معقول مفهومی است که بدیع به نظر می‌آید از این رو لازم است این مفهوم و ابزارهای تحقق آن مورد بررسی قرار گیرد.

1. The Montreux Record
2. Wise Use

که در این صورت متناسب با این تغییرات، کیفیت و کمیت حیات و در نهایت ویژگی‌های اکولوژیکال تالاب متغیر خواهد بود. استفاده معقول متضمن این نکته است که می‌توان از یک تالاب تا جایی استفاده کرد که کارکرد اکولوژیکال تالاب صدمه نبیند (Kruckek, 2003, p.416).

۱-۲-۲- استفاده معقول و انجام

ارزیابی‌های زیست محیطی: یکی از اجزاء اصلی استفاده معقول انجام ارزیابی‌های زیست محیطی است (Farrier and tucker, 2000, p.40). ارزیابی زیست محیطی به عنوان یک مکانیسم قانونی بین‌المللی و ملی عبارت است از ارزیابی تمام آثار احتمالی پروژه‌های توسعه‌ای بر محیط زیست و ارائه راهکارهایی برای کاهش آن آثار (Craik, 2008, p.42). اگرچه کنوانسیون رامسر خود فی نفسه تعهد به اجرای ارزیابی زیست محیطی را مقرر نمی‌دارد، ولی رهنمودهای کنوانسیون چندین توصیه ارائه نموده‌اند که انجام ارزیابی‌های زیست محیطی را در مراحل طراحی پروژه و اجرای آن لازم می‌داند (Kruckek, 2003, p.435). این اسناد (توصیه‌نامه‌ها و قطعنامه‌های کنفرانس) را در حقوق بین‌الملل «حقوق قوام‌نیافته»^۳

می‌نامند که می‌تواند در تفسیر تعهدات مندرج در خود کنوانسیون مورد استفاده قرار گیرند.

در واقع انجام ارزیابی زیست محیطی مشخص می‌سازد آیا پروژه با استفاده معقول و حفظ ویژگی اکولوژیکال تالاب سازگار است یا نه. این فرایند معمولاً شامل توصیه‌هایی برای کاهش و رفع آثار سوء احتمالی چنان اقداماتی می‌گردد. هدف از این امر جلوگیری از اجرای پروژه‌های اقتصادی است که اگر چه به لحاظ اقتصادی متضمن منافع فوری یا کوتاه‌مدت است، ولی به نظر می‌رسد از نظر زیست محیطی فاجعه‌بار باشد (تقی زاده انصاری، ۱۳۷۴، ص ۲۸). در برخی موارد این تأثیرات نامطلوب بسیار دیر بروز پیدا می‌کنند. بنابراین لازم است از قبل نتایج زیست محیطی پروژه‌های اقتصادی را بررسی کنیم.

نتایج ارزیابی زیست محیطی بایستی محدود به سه دامنه زیر باشد: ۱. پیامد ناپایدار و یا کمتر از حداقل: در آن صورت می‌توان پروژه را انجام داد، ۲. پیامد ناپایدار و یا حداقل: پروژه تحت شرایط خاص و نظارت قابل اجراست و ۳. پیامد بیش از حداقل یا پایدار: پروژه تحت هیچ شرایطی نبایستی اجرا شود. (گوندلینگ و دیگران، ۱۳۸۱، ص

نیکاراگوئه حاوی نکات بسار مهم در خصوص جایگاه ارزیابی های زیست محیطی در اجرای پروژه های اقتصادی است.^(۸)

۱-۲-۳- استفاده معقول و «اصل

احتیاط»^۶: استفاده معقول با اصل احتیاط نیز پیوند می خورد. الزام اولیه، تعهد به جلوگیری از آسیب به محیط زیست و اعمال نگرش احتیاطی است. بدین معنی که اگر به سبب فعالیت، خطری محیط زیست را تهدید کند، اقدام مهمی که می توان انجام داد، تلاش در جهت کاهش یا حذف آن خطر می باشد. در راستای اجرای اصل احتیاطی، تصمیمات خصوصی و عمومی بایستی به نحوی اتخاذ شوند که ۱. از لطمات جدی و غیر قابل بازگشت به محیط زیست اجتناب شود. ۲. گزینه های متعدد و آثار زیست محیطی هر یک ارزیابی شود. این اصل در مواقعی که عدم قطعیت علمی وجود دارد، می تواند رهیافت هایی ارائه دهد. اصل ۱۵ اعلامیه ریو مقرر می دارد در مواقعی که تهدید به صدمات جدی و برگشت ناپذیر به محیط زیست وجود دارد، عدم قطعیت علمی نبایستی به عنوان دلیلی برای تعویق اقدامات مؤثر در جلوگیری از صدمات زیست محیطی شوند. در این راستا رویکرد احتیاطی بایستی به طور گسترده توسط کلیه دولت ها با توجه

(۲۷۵). نمونه بارز جلوگیری از اجرای یک پروژه به دلیل مغایرت با استفاده معقول از تالاب و حفظ ویژگی های اکولوژیکال آن در قضیه برونایر در هلند مطرح شد.^(۷) در این قضیه پادشاه هلند به درستی تصمیم اتخاذ شده از طرف مرجع صالح برای ایجاد تفرجگاه در تالاب «لک» را به دلیل نقض کنوانسیون رامسر رد نمود (Verschuren, 2008, p.1).

از آنجایی که امروزه مشاوره و انتشار اطلاعات برای آگاهی عموم از مؤلفه های اصلی ارزیابی آثار زیست محیطی شمرده می شود (Sands, 2003, p.800)، لازم است عموم افراد در روند تصمیم گیری قرار گیرند. در بازنگری «دستورالعمل بانک جهانی برای ارزیابی محیط زیستی»^۵ در سال ۱۹۹۱ اهمیت زیادی به مشارکت مردمی داده شده و لازم دانسته شده که دولت های وام گیرنده آراء گروه های متأثر و سازمان های غیردولتی را در طراحی و اجرای پروژه های اقتصادی و در تهیه ارزیابی آثار زیست محیطی دخالت دهند (گوندلینگ و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۲۸۵). رأی اخیر دیوان بین المللی دادگستری در دعوی آرژانتین علیه

4. Lac

5. Operational Directive on Environmental Assessment (ODEA)

6. Precautionary Approach

بسه توانایی‌شان اعمال شود (Sands, 2003, pp.266-267).

در خصوص حفاظت از تالاب‌ها اگر مشخص شود انجام پروژه‌های احتمالاً خطری جدی و برگشت‌ناپذیر بر ویژگی‌های اکولوژیکال تالاب خواهد داشت، مسئولیت متوجه عامل برهم‌زننده ویژگی‌های اکولوژیکال خواهد بود تا خطر را به طور کلی حذف یا به حداقل برساند. در واقع هر زمان که خطرات جدی و برگشت‌ناپذیر وجود داشته باشد، اقدام بازدارنده ضروری است؛ حتی اگر هیچ ارتباط واضحی بین اجرای پروژه با تأثیرهای زیست‌محیطی‌اش شناخته نشده باشد. چرا که انتظار برای نیل به یک قطعیت علمی می‌تواند منجر به ورود خسارت جبران‌ناپذیر به محیط زیست شود. یکی از ابزارهای رعایت اصل احتیاطی، استفاده از «بهترین فناوری قابل دسترس»^۷ می‌باشد (گوندلینگ و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۲۵۸).

۲- حفاظت از تالاب ارومیه در

چارچوب کنوانسیون رامسر

۱-۲- اهمیت و جایگاه دریاچه

ارومیه

ایران کنوانسیون رامسر را در تاریخ ۴ شهریور ۱۳۵۱ در پاریس امضاء و به موجب

ماده واحده قانون عضویت در کنوانسیون مذکور، مصوب ۲۸ اسفند ۱۳۵۲، به این کنوانسیون پیوست. در ایران بیش از ۸۶ تالاب با اهمیت بین‌المللی شناسایی شده است^(۹) که از بین آنها تاکنون ۳۳ تالاب در قالب ۲۲ سایت^(۱۰) با مساحت ۱۴۸۳۸۲۴ هکتار در کنوانسیون رامسر ثبت شده‌اند که بزرگ‌ترین آنها سایت دریاچه ارومیه می‌باشد.

دریاچه ارومیه به عنوان «دومین دریاچه شور جهان»، «بزرگ‌ترین زیستگاه طبیعی آرتمیا»، «بیستمین دریاچه بزرگ جهان»، «بزرگ‌ترین دریاچه داخلی ایران» و «بزرگ‌ترین آبگیر دائمی آسیای غربی» با مساحت بیش از ۴۸۳۰۰۰ هکتار، در سال ۱۳۴۶ به عنوان منطقه حفاظت شده انتخاب و در سال ۱۳۴۹ به پارک ملی تبدیل شد و بعدها نیز به عنوان یکی از نادرترین ذخیره گاه بیوسفری ایران و جهان در نظر گرفته شد. یونسکو در سال ۱۳۵۴ در برنامه جهانی انسان و زیست‌کره، ۹ نقطه را برای حفاظت انتخاب نمود که یکی از آنها دریاچه ارومیه می‌باشد. دریاچه ارومیه از سوی شورای حفاظت از پرندگان به عنوان یکی از زیست‌گاه‌های مهم برای پرندگان تشخیص داده شده است. این دریاچه که یکی از

7. Best Available Technology(BAT)

این تالاب دارای دو نوع اکوسیستم آبی و خشکی بوده که اکوسیستم آبی آن شامل آب شور دریاچه و اراضی باتلاقی حاشیه آن است. دریاچه ارومیه یکی از بزرگ‌ترین زیست‌گاه‌های طبیعی آرتمیا در دنیاست (Abatzopoulos and Others, 2006, p.443)

«آرتمیا اورمیان» تنها موجود زنده تک‌سلولی سازگار با دریاچه شور ارومیه است که هم غذای مناسبی برای پرندگان مهاجر و بومی این تالاب محسوب می‌شود و هم دارای ارزش بالایی صادراتی است. اکوسیستم خشکی نیز شامل ۱۰۲ جزیره بزرگ و کوچک می‌باشد که هر یک تأمین‌کننده بخشی از نیازهای حیاتی دریاچه به شمار می‌رود. این دریاچه از مهم‌ترین مکان‌های پذیرای پرندگان مهاجر می‌باشد. از پرندگان تاکنون ۱۸۶ گونه متعلق به ۲۲ خانواده بومی و مهاجر در این دریاچه شناسایی شده‌اند که این تنوع زیستی در یک محدوده در جهان کم‌نظیر است. دریاچه ارومیه در سطح بین‌المللی و ملی یک زیست‌بوم بسیار با ارزش و با اهمیت است که تأمین‌کننده تنوع زیستی غنی، ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح حوزه است.

مهم‌ترین و باارزش‌ترین تالاب‌های ایران است، در سال ۱۳۵۴ در کنوانسیون رامسر در گروه دریاچه‌های «لاکوسترین» به ثبت رسید^(۱۱) (باقرزاده کریمی، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۰).

دریاچه ارومیه به دلیل وسعت زیاد، شرایط خاص اکولوژیکی آن (که در اثر شوری بیش از حد آب به وجود آمده است) و تالاب‌های اقماری (آب شیرین) ارزشمند اطراف آن از مهم‌ترین و باارزش‌ترین اکوسیستم‌های ایران است. این تالاب بنا به گزارش برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه به لحاظ موارد زیر واجد ارزش می‌باشد:

الف) کارکردها (حمایت از تنوع زیستی، تعدیل آب و هوا، کاهش و ترسیب رسوبات و آلاینده‌ها، جلوگیری از پیشروی آب شور، چشم‌انداز زیبا، تثبیت نهشته‌ای نمکی)؛

ب) خدمات (گردشگری و طبیعت‌گردی، چشمه‌های آب گرم لجن‌درمانی، آبی‌پروی، آموزش، تحقیقات و پژوهش، میراث فرهنگی)؛

ج) فراورده‌ها (صید آرتمیا، برداشت نمک، چرای دام‌های اهلی و گاو میش، شکار پرندگان آبی، ماهیگیری، منبع گیاهان دارویی) (سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۹، صص ۲۲-۲۳).

۲-۲- بحران زیست محیطی دریاچه ارومیه

براساس اطلاعات موجود در وب سایت کنوانسیون رامسر، هم‌اکنون تالاب‌های ۲۹ کشور جهان در فهرست مونتر و قرار گرفته‌اند که ایران در این با داشتن شش تالاب بعد از یونان (با هفت تالاب) رتبه دوم تالاب‌های در معرض خطر را دارد.^(۱۲) اگرچه مطالعات مدیریت جامع دریاچه ارومیه نشان می‌دهد که دریاچه ارومیه تا کمتر از ۲۰ سال آینده با بحران شدیدی مواجه خواهد شد و هم‌اکنون ۹ جزیره بزرگ این زیست‌بوم به صورت کامل به خشکی متصل شده و ادامه این روند حیات منطقه را به خطر خواهد انداخت، ولی دریاچه ارومیه فعلاً در فهرست مونتر و قرار نگرفته است.

اصولاً اکوسیستم در کل و به صورت یکپارچه برای حفاظت از خودش توانایی‌های منسجم و ارگانیکی دارد. در واقع عناصر گوناگون اکوسیستم برای تضمین بقای کل اکوسیستم در کنار یکدیگر عمل می‌کنند (الیوت، ۱۳۸۴، ص ۲۶). در بین تهدیدات درونی و بیرونی، استفاده ناپایدار از تالاب‌ها بدون توجه به توانایی تالاب در رفع آثار نامطلوب ناشی از فعالیت‌های بشری تهدید اصلی برای حیات تالاب‌هاست (Ministry of

Environment Government of India and Forests, 2009, p.2). در خصوص دریاچه

ارومیه نیز چنین بوده است. بنا به گزارش برنامه‌ریزی مدیریت جامع دریاچه ارومیه، این دریاچه که با دو دسته تهدیدات درونی و بیرونی مواجه است،^(۱۳) در ظرف یک دهه گذشته افزایش طرح‌های توسعه و بهره‌برداری از آب و احداث بزرگراه شهید کلاتری شرایط هیدرودینامیک و اکولوژیکال دریاچه را تحت تأثیر قرار داده است (سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۹، ص ۱۸). احداث بزرگراه شهید کلاتری باعث ایجاد اختلال در هیدرودینامیک دریاچه و ایجاد اختلال برای حیات وحش شده است و از تهدیدات درونی (داخل تالاب) محسوب می‌شود. همچنین بهره‌برداری از جریان رودخانه‌ها از طریق سدها و شبکه‌های وابسته باعث کاهش جریان آب ورودی شده و جزو تهدیدات بیرونی (خارج تالاب) قلمداد می‌شود. در این قسمت به ترتیب به هر یک از موارد پرداخته می‌شود:

۲-۲-۱- احداث بزرگراه میان‌گذر

شهید کلاتری: بزرگراه ۱۵ کیلومتری شهید کلاتری با خشکاندن بیش از هشتاد درصد حد فاصل میان دو سوی غربی- شرقی دریاچه، از طریق خاک‌ریزی حدوداً ۱۲

حالی است که گزارشات مربوط به شوری آب دریاچه که توسط دانشگاه گنت بلژیک منتشر شده، حاکی از آن است که در سال ۱۹۹۵ (۷۴-۷۳) میانگین شوری سالانه دریاچه ارومیه ۱۶۶ گرم در لیتر بوده است. همچنین با توجه به مطالعات صورت گرفته توسط موسسه تحقیقات آب در سال ۱۳۸۴، طی دوره زمانی ۱۳۴۵ الی ۱۳۸۱ میانگین شوری آب دریاچه حدود ۲۶۷ گرم بر لیتر بوده است. اما میزان شوری آب دریاچه به رقم ۳۳۸ گرم بر لیتر رسیده که این میزان شوری بیش از آستانه تحمل گونه آرتمیا برای تولید مثل و تکثیر می‌باشد (سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۹، ص ۲۰).

همچنین رفت و آمد خودروها و تخلیه مواد آلاینده ناشی از تردد خودروها به فضای دریاچه و نیز آلودگی صوتی به وجود آمده باعث از بین رفتن امنیت زیستگاه برای پرندگان مهاجر و بومی و عدم استقرار آنها در نزدیکی این جاده شده است. در کل، کارشناسان محیط زیست عبور بزرگراه شهید کلانتری از دریاچه ارومیه را که هدف از احداث آن نزدیک کردن شهر ارومیه به تبریز بوده است، یکی از عوامل تخریب این تالاب بین‌المللی و برهم خوردن تعادل زیست‌محیطی و اکولوژیکی آن می‌دانند.

کیلومتری ایجاد شده و تنها کمتر از بیست درصد آن به وسیله سازه‌های آهنی و آن هم با پایه‌های بتنی مخرب محیط زیست، احداث گردیده است. این در حالی است که حتی قرار است با وجود این معضلات، پهنای بزرگراه شهید کلانتری ارومیه افزایش یافته و به چهار باند برسد. احداث این بزرگراه روی دریاچه ارومیه، باعث قطع ارتباط طبیعی نیمه شمالی و جنوبی شده و تغییرات جدی را روی هیدرودینامیک منطقه و ویژگی‌های اکولوژیکال دریاچه وارد ساخته است. از آنجایی که ۸۶ درصد از آب‌های ورودی به دریاچه از ناحیه جنوبی بزرگراه وارد آن می‌شود، این عامل باعث تفاوت در خصوصیات فیزیکی و شیمیایی به ویژه رسوب‌گذاری نواحی شمالی و جنوبی شده است (باقرزاده کریمی، ۱۳۸۶، ص ۳۱). بر اثر این اقدام میزان شوری آب دریاچه، به دلیل عدم تبادل آب در دو بخش جنوبی و شمالی، در نیمه شمالی به شدت افزایش یافته و منجر به از بین رفتن تدریجی آرتمیا در نیمه شمالی شده است.^(۱۴) مختل شدن چرخه آب از شمال به جنوب دریاچه باعث شده است که شوری بخش شمالی دریاچه ارومیه به بیش از ۳۰۰ گرم در هر لیتر برسد و مهم‌ترین کانون زیستی این دریاچه رو به مرگ برود. این در

۲-۲-۲- احداث سدهای متعدد:

اغلب کارشناسان، مهار وسیع و بدون کارشناسی جریان آبهای سطحی حوزه آبریز این دریاچه را در طی یک دهه اخیر به عنوان مهم ترین عامل تهدیدکننده حیات دریاچه ارومیه نام می برند. اغلب سدهای احداث شده، دریاچه ارومیه را تحت تأثیر قرار داده اند. کارشناسان سازمان حفاظت محیط زیست، ساخت بی رویه سدها را در خشک شدن بخشی از آب دریاچه ارومیه مؤثر دانسته و معتقدند ساخت سدها جریان سیلابها را کنترل کرده و آب تنظیم شده مورد بهره برداری قرار می گیرد و وارد دریاچه ارومیه نمی شود. حجم قابل توجهی از آبهای برداشتی به مصرف کشاورزی می رسد و این در صورتی است که حداکثر راندمان آبیاری کشاورزی ۳۴ درصد است و این یعنی ۶۶ درصد آب برداشتی از رودخانه ها و چاه ها که به مصرف بخش کشاورزی می رسد، هدر رفته و تبخیر می شود (حکیم خانی، ۱۳۸۷، ص ۱).

سدهای مخزنی متعدد احداث شده و در حال ساخت در حوزه آبریز دریاچه ارومیه و اغلب رودخانه های منتهی به این دریاچه^(۱۵) شوری آب این دریاچه را به شدت افزایش داده و از حد اشباع گذرانده به نحوی که به

اعتقاد کارشناسان هم اکنون به مرحله ای رسیده که خطر مرگ دریاچه را به دنبال دارد.

در سال های نرمال، مجموع برداشت از منابع آب در سطح حوضه آبریز از ۴۷۰۰ میلیون متر مکعب در سال تجاوز می کند. تعداد زیادی طرح توسعه منابع آب با هدف تأمین نیازهای آبی روز افزون منطقه در حال اجرا بوده و یا طرح ریزی و مطالعه شده و تا ۲۰ سال آینده اجرا خواهند شد. انتظار می رود تا سال ۲۰۲۱ سالانه بیش از ۶ میلیارد مکعب از منابع حوضه آبریز دریاچه مورد بهره برداری قرار گیرد. این امر منجر به کاهش ۲۵ درصدی جریانات ورودی به دریاچه در مقایسه با شرایط کنونی خواهد شد (سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۹، ص ۲۰). شایان ذکر است که در طی دوره های نرمال، با توجه به میزان سالیانه تبخیر از سطح دریاچه، برای حفظ تراز آب دریاچه ارومیه، سالیانه حداقل حدود ۳/۱ میلیارد متر مکعب آب مورد نیاز خواهد بود. براساس مطالعات انجام شده طی دو دهه اخیر، مادامی که سطح آب دریاچه بالاتر از ۱۲۷۴/۱ متر از سطح دریاهای آزاد در نوسان باشد، دریاچه به عملکرد عادی اکولوژیک خود برای حفظ تنوع زیست محیطی و تولید

استفاده معقول مندرج در کنوانسیون رامسر می‌باشد.

توسعه اقتصادی اگر به درستی صورت گیرد، مشکلی برای پایداری محیط زیست ایجاد نمی‌کند. در عین حال اتخاذ خط مشی‌های مطلوب برای حفاظت از محیط زیست هم مانع توسعه اقتصادی نخواهد بود (مولدان و بیلهارز، ۱۳۸۱، ص ۶۷). اما توسعه اقتصادی که محیط زیست را تخریب نموده یا منجر به استفاده گسترده از منابع طبیعی به ضرر نسل‌های آتی شود، توسعه پایدار نخواهد بود (Subedi, 2006, p.30). در خصوص دریاچه ارومیه به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت بحرانی آن، انجام پروژه‌های اقتصادی متضمن منافع پایدار زیست‌محیطی نبوده است. توجه به اولویت‌های اقتصادی کوتاه‌مدت به قیمت نادیده‌انگاری اکوسیستم با ارزشی همچون تالاب ارومیه مغایر با مفهوم توسعه پایدار به عنوان زیربنای توسعه اقتصادی است. احداث سدهای مخزنی و بزرگراه شهید کلانتری بدون توجه به خطرات ناشی از احداث آنها روی دریاچه ارومیه مصداق بارز توسعه ناپایدار اقتصادی می‌باشد.

همان‌طور که عنوان شد، انجام ارزیابی‌های زیست‌محیطی یکی از

آرتمیا ادامه خواهد داد. افت تراز آب دریاچه از میزان مذکور، اثری منفی بر کارکردهای اکولوژیک دریاچه خواهد گذاشت. در سال ۱۳۷۴ تراز آب دریاچه ۱۲۷۷/۶ بود در سال ۱۳۷۹ این تراز به حداقل تراز اکولوژیک (۱۲۷۴/۱) رسید، تا اینکه در سال ۱۳۸۸ این تراز تا ۱۲۷۱/۶ کاهش یافت.

۳- فعالیت‌های عمرانی در تالاب ارومیه؛ نقض تعهد به ترویج استفاده معقول از تالاب‌ها

بر طبق معیار استفاده معقول، فعالیت‌های بشری نبایستی به کارکرد اکولوژیکال تالاب لطمه‌ای بزند. لذا رعایت ویژگی اکولوژیکال دریاچه می‌بایست اصولاً در هنگام احداث جاده میانگذر شهید کلانتری و سدهای مخزنی مطمح نظر می‌بود و بخش بنیادینی از حفاظت از تالاب ارومیه و اجرای مطلوب استراتژی مدیریت تالاب‌ها قلمداد می‌شد. فراتر از آن بایستی مفهوم استفاده معقول بر کلیه ابعاد حفاظت از تالاب ارومیه شامل سیاست‌های توسعه‌ای، طراحی و فعالیت‌های آموزشی و قانونی و اقدامات ویژه سایت تسری می‌یافت. برهم خوردن ویژگی‌های اکولوژیکال این دریاچه در اثر اجرای چنین پروژه‌هایی مغایر با معیار

شاخص‌های تحقق استفاده معقول در چارچوب کنوانسیون رامسر است. اگر آثار احداث بزرگراه شهید کلانتری و سدهای متعدد روی ویژگی‌های اکولوژیکال دریاچه ارومیه ناچیز می‌بود، بایستی با مدیریت صحیح منابع اجازه انجام پروژه داده می‌شد؛ در غیر این صورت، بایستی از انجام پروژه ممانعت می‌شد (تقی‌زاده‌انصاری، ۱۳۷۴، ص ۳۰). با توجه به آثار و پیامدهای نامطلوب جدی حاصل از اجرای این پروژه‌ها یا هیچ‌گونه ارزیابی زیست محیطی قبل از شروع عملیات صورت نگرفته و یا اگر صورت گرفته، به نتایج نادرست رسیده است. این در حالی است که در فهرست اسپو، ساخت جاده، سدها و مخازن آبی بزرگ جزو ۱۷ فعالیت مشمول انجام ارزیابی آثار زیست محیطی است. در «دستورالعمل ارزیابی زیست محیطی بانک جهانی» نیز ایجاد سدها و ایجاد جاده در دسته «الف»، یعنی پروژه‌هایی که ممکن است تأثیر شدید بر محیط زیست داشته باشند، آمده و از این رو لازم است ارزیابی کامل محیط زیستی در مورد آنها صورت گیرد (گوندلینگ و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۲۸۰). اگرچه مجریان طرح اذعان می‌دارند که ساخت این بزرگراه دارای گزارش ارزیابی زیست محیطی بود، ولی بنا به اظهار نظر یکی

از کارشناسان محیط زیست و مسئول تهیه گزارش ارزیابی زیست محیطی، عملیات ساخت پل با دو باند رفت و برگشت و یک باند خط آهن، قبل از آنکه گزارش ارزیابی‌اش، در سازمان محیط زیست به تأیید برسد، آغاز شده بود و حتی بعد از آنکه این گزارش به صورت مشروط در سازمان محیط زیست به تأیید رسید، اما باز هم مصوبه کمیته ارزیابی اثرات زیست محیطی پروژه میانگذر جاده شهید کلانتری توسط وزارت راه و ترابری به اجرا در نیامده است.^(۱۶) این در حالی است که در چارچوب حقوق بین الملل محیط زیست، دیوان بین المللی دادگستری در رأی اخیر خود در دعوی اروگوئه علیه آرژانتین عنوان داشت که ارزیابی‌های زیست محیطی بایستی قبل از اجرای پروژه صورت گیرد (ICJ, 2010, p.6). علاوه بر این، مشاوره و انتشار اطلاعات برای آگاهی عموم بخشی از فرایند ارزیابی پیامدهای زیست محیطی شمرده می‌شود. مشارکت بخش‌های متأثر از اجرای پروژه و سازمان‌های مردم‌نهاد قبل از انجام پروژه‌های عمرانی واجد آثار زیست محیطی، مبین تحقق مفهوم استفاده معقول است. این در حالی است که چنین چیزی در خصوص تالاب ارومیه صورت نگرفته و نمی‌گیرد.

مواقعی که تهدید به صدمات جدی و برگشت‌ناپذیر به تالاب وجود دارد، فقدان قطعیت علمی نایستی به عنوان دلیلی برای تعویق اقدامات مؤثر در جلوگیری از صدمات زیست‌محیطی باشد. این در حالی است که مسئولین امر همچنان به عدم قطعیت علمی و عدم ارتباط مستقیم میان اجرای این پروژه‌های عمرانی و نابودی دریاچه ارومیه تأکید دارند.

در نهایت علی‌رغم اینکه ایران به عنوان مبدأ کنوانسیون رامسر همواره خود را متعهد به حفاظت از تالاب‌ها دانسته است (صدوق، ۱۳۸۸، ص ۲)، پروژه‌های عمرانی صورت گرفته در تالاب ارومیه در قالب بزرگراه شهید کلانتری و سدهای متعدد، منطبق با تعهدات ایران به موجب کنوانسیون رامسر و فراتر از آن اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست نیست و بایستی برای نجات دریاچه ارومیه راهکارهایی در این خصوص ارائه شود.

۴- راهکارهای حل بحران

زیست‌محیطی دریاچه ارومیه

مسائل زیست‌محیطی تالاب‌های واقع در قلمرو یک کشور نظیر دریاچه ارومیه، دارای دو جنبه داخلی و بین‌المللی است. به فراخور این مسئله، راهکارهای موجود نیز به دو

حتی در مواقعی که پروژه‌های عمرانی فرضاً به نفع عموم بوده و هیچ راه عملی دیگری به جای تخریب یا صدمه به محیط زیست وجود ندارد، توانبخشی و نوسازی تالاب‌ها به عنوان یک روش جبران خسارت راهکار مطلوبی می‌باشد. در حالی که علی‌رغم این پروژه‌های عمرانی متعدد روی دریاچه ارومیه، هیچ‌گونه توانبخشی از قبیل انتقال آب سایر حوزه‌ها و تأمین حق آبه این تالاب صورت نمی‌گیرد.

احداث سدهای متعدد و بزرگراه شهید کلانتری همچنین با اصل احتیاطی نیز مغایر است. با توجه به اینکه لطماتی که به محیط زیست دریاچه ارومیه وارد شده و می‌شود، قابل توجه و جدی بود و احتمالاً اگر به همین منوال بگذرد، غیر قابل بازگشت نیز خواهد بود در آن صورت اصل احتیاطی در انجام این پروژه‌ها چندان مطمئن نظر نبوده است. یکی از ابزارهای رعایت اصل احتیاط توسل به بهترین فناوری قابل دسترس می‌باشد. در آن صورت این سؤال به ذهن می‌رسد آیا خاکریزی نزدیک به ۸۰ درصد برای ایجاد پل میانگذر روی یک دریاچه در دنیای تکنولوژیکی امروزی بهترین ابزار قابل دسترسی بوده است؟ آیا گزینه‌های بهتری وجود نداشته است؟ بر طبق اصل احتیاط در

دسته راهکارهای داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌شود.

۴-۱- راهکارهای داخلی

به موجب اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم، مسئولیت اولیه حفاظت از محیط زیست یک کشور بر عهده خود آن کشور است. اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی، به عنوان یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل مؤید چنین استدلالی می‌باشد. لذا در خصوص دریاچه ارومیه نیز ابتکار عمل و مسئولیت اولیه برای حفاظت از آن بر عهده خود دولت ایران است. در خصوص راهکارهای داخلی برای حفاظت از دریاچه ارومیه موارد زیر به نظر می‌رسد:

۴-۱-۱- هماهنگ‌سازی

سیاست‌ها و قوانین ملی با تعهد به استفاده معقول از تالاب ارومیه. ایران باید مبادرت به درج مفهوم استفاده معقول در سیاست‌های ملی خود کند و قوانین و سیاست‌های خود را با تعهد به استفاده معقول از تالابها سازگار سازد. تصمیم‌گیران بایستی براساس اطلاعات حاصله از کارشناسان محیط زیست مقررات حفاظت از تالابها را تنظیم کنند (کیس و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۸۰). در این راستا سیاستگذاران بایستی هرگونه مقرره‌ای را که مغایر با

استفاده معقول از تالاب هست، اصلاح کنند. در این باره اصل ۵۰ قانون اساسی می‌تواند سر لوحه کار باشد.^(۱۷)

۴-۱-۲- اتخاذ سیاست‌های

تالابی خاص دریاچه ارومیه. ایران بایستی سیاست‌های خاص برای تالاب ارومیه ایجاد و با جدیت آن را دنبال کند. این اقدام، تالاب ارومیه را به عنوان اکوسیستم متمایزی که نیاز به رویکردهای خاص و منحصر به فرد برای مدیریت و حفاظت دارد به رسمیت می‌شناسد. تدوین و تصویب تفاهم‌نامه «مدیریت زیست‌بومی پارک ملی دریاچه ارومیه» در قالب طرح حفاظت از تالاب‌های ایران که در مهر ۱۳۸۷ در شهر ارومیه و طی اجلاسی که مورد توافق وزارت جهاد کشاورزی، نیرو، سازمان حفاظت محیط زیست و استانداران استان‌های آذربایجان غربی، شرقی و کردستان قرار گرفت و «برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه» که با همکاری «برنامه عمران سازمان ملل متحد»^۸ و «صندوق تسهیلات جهانی»^۹ در خرداد ۱۳۸۹ تهیه شده است از مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته در این راستا هستند. اما با توجه به اظهارات مدیر کل محیط زیست آذربایجان

8. United Nation Development Programme(UNDP)
9. Global Environment Facility(GEF)

پروژه‌ها می‌دانند. تمام ساکنان بومی مناطق، سازمان‌های مردمی و تمام سازمان‌های درگیر در امور مربوط به توسعه و محیط زیست باید با گردهمایی، تعامل، بحث و تبادل نظر در حفاظت از تالاب دریاچه ارومیه نقش‌آفرینی کنند. حفاظت و استفاده معقول از تالاب‌ها مسئولیت همه است. در سطحی فراتر از آن مسئولیت حفاظت شامل سازمان‌های دولتی، سازمان‌های غیر دولتی، بخش خصوص و افراد ذینفع خاص مثل کشاورزان نیز می‌شود (Wildfowl&Wetlands Trust, 2002, p.3).

۴-۱-۵- نوسازی و توانبخشی

تالاب. همان‌طور که عنوان شد، حتی هنگامی هم که الزامات اجتماعی و اقتصادی مستلزم اجرای پروژه‌های عمرانی مؤثر روی تالاب‌هاست، نوسازی و توانبخشی تالاب‌ها ضروری است. لذا توانبخشی و نوسازی تالاب‌ها به عنوان یک روش جبران خسارت در مواقعی که پروژه فرضاً به نفع عموم بوده و هیچ راه عملی دیگری به جای تخریب یا صدمه به محیط زیست وجود ندارد، یک روش مطلوب می‌باشد. در خصوص دریاچه ارومیه نیز به منظور جبران آثار نامطلوب ناشی از احداث بزرگراه شهید کلانتری و سدهای متعدد ساخته‌شده تلاش شود

غربی مبنی بر اجرایی نشدن این طرح‌ها تا به حال (عباس نژاد، ۱۳۸۹، ص ۳)، جدیدیت لازم در این خصوص وجود نداشته است.

۴-۱-۳- ارتقاء سیستم ارزیابی

اثرات زیست‌محیطی. حمایت سیاسی شدیدی که از اجرای طرح‌های توسعه آب صورت می‌گیرد، از یک سو و نیاز حیاتی به حفظ دریاچه ارومیه و کارکردهای اکولوژیک آن از سوی دیگر ایجاب می‌کند که ارزیابی زیست‌محیطی کامل و دقیقی از اثرات اجرای طرح‌های توسعه‌ای به عمل آید. از این رو ایران بایستی سیستم ارزیابی تأثیر زیست‌محیطی برای نیل به استفاده معقول از تالاب دریاچه ارومیه را ارتقاء دهد. این اقدام می‌تواند متضمن اهداف زیر باشد: (۱) تعیین فعالیت‌های خاصی که استفاده غیر معقول از تالاب هستند. (۲) کاهش یا حذف این فعالیت‌های مضر در تالاب ارومیه (۳) انجام آنالیزهای کارشناسی در خصوص حداقل فعالیت‌های توسعه‌ای احتمالی بدون لطمه به اکوسیستم تالاب ارومیه.

۴-۱-۴- ایجاد و ارتقاء زمینه

مشارکت مردم. کارشناسان رمز موفقیت حفاظت از تالاب‌ها را در مشارکت و ارتقاء جایگاه مردم به ویژه جوامع محلی در تصمیم‌گیری‌ها و حتی اجرا و نظارت طرح‌ها و

حق‌آبه دریاچه یعنی حدود ۳/۹ میلیارد متر مکعب مورد نیاز تأمین شده و تراز دریاچه به حداقل مورد نیاز برای حفظ ویژگی‌های اکولوژیکال آن یعنی ۱۲۷۴ متر برسد.

۴-۲- راهکارهای بین‌المللی

محیط زیست مورد حمایت حقوق بین‌الملل می‌تواند محیط زیست یک کشور، منابع طبیعی مشترک، یا موضوع منافع عمومی جهانی یا منابع فرادولتی باشد. واقعیت این است که اصول حفاظت از محیط زیست عمیقاً در وجدان عمومی بشر ریشه داشته و به تدریج به قواعد اساسی حقوق بین‌الملل عام تبدیل شده‌اند (ICJ, 1996, p. 147). محیط زیست متعلق به همه ملت‌های جهان بوده و بایستی توسط همه کشورهای جهان به شایستگی به نسل‌های آینده جهان انتقال یابد. از این رو حقوق بین‌الملل به‌طور فزاینده‌ای به مسئله حفاظت از محیط زیست در داخل دولت‌ها می‌پردازد. چرا که ماهیت واقعی حقوق بین‌الملل محیط زیست چنین چیزی را می‌طلبد؛ اعم از اینکه آسیب زیست‌محیطی در داخل کشور رخ داده باشد یا خارج از مرزهای آنها. رهیافت‌های بین‌المللی برای حل بحران زیست‌محیطی تالاب ارومیه می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

۴-۲-۱- اصل مسئولیت مشترک
اما متفاوت. اصل مسئولیت مشترک، اما متفاوت دارای دو جنبه است: اولی مرتبط با مسئولیت مشترک همه دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست می‌باشند. دومین جنبه، توجه به توانایی هر کشور در جلوگیری، کاهش و حذف تهدید می‌باشد. در واقع اجرای این اصل دو نتیجه دارد: آن از یک سو همه دولت‌های مربوطه را ملزم به مشارکت در اتخاذ موازین بین‌المللی برای حل مشکلات زیست‌محیطی می‌کند و از سوی دیگر تعهدات متفاوتی را به دولت‌ها بار می‌کند.

۴-۲-۱-۱- مسئولیت مشترک.
مسائل زیست‌محیطی ابعاد جهانی دارند. چنین موضوعی ایجاب نموده است که دولت‌های جهان با یکدیگر همکاری نموده تا از جمله برای جلوگیری از اثرات نامطلوب اقلیمی ناشی از فعالیت‌های صنعتی و توسعه‌ای اقدام جدی به عمل آورند. اصول ۲۲ و ۲۴ اعلامیه استکهلم و اصل ۲۷ اعلامیه ریو متضمن تعهد به چنین همکاری هستند. در این راستا تالاب‌های با اهمیت بین‌المللی نه تنها بایستی توسط دولت‌هایی که آن تالاب‌ها در قلمرو آن واقع شده‌اند، حفاظت شود؛ بلکه چنین حفاظتی همچنین بایستی توسط سایر

بر عهده ایران باشد (گوندلینگ و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۲۵۱).

۴-۲-۱-۲- مسئولیت متفاوت.

مسئولیت متفاوت با در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی همچون نیازها و شرایط خاص، توسعه اقتصادی آتی کشورهای در حال توسعه و سهم تاریخی در ایجاد مشکلات زیست‌محیطی می‌باشد (Schrijver & Weiss, 2004, pp.78-81). دولت‌های توسعه یافته بایستی در بستر توانایی‌ها و تجارب خود در حل معضلات زیست‌محیطی و با توجه به مشکلات تکنولوژیک ایران، برای حل معضل دریاچه ارومیه پیشنهادات و طرح‌هایی ارائه داده و در این خصوص با ایران همکاری کنند.

۴-۲-۲- دریافت کمک‌های مالی

از نهادهای مالی و پولی بین‌المللی.

نهادهای مالی و پولی بین‌المللی همچون گروه بانک جهانی، صندوق برنامه عمران ملل متحد، بانک توسعه آسیایی^(۱۸)، بانک توسعه اسلامی^(۱۹) و ... می‌توانند در تأمین اعتبار مالی برای حل معضلات زیست‌محیطی تالاب ارومیه از سوی ایران مورد توسل قرار گیرند. نمونه بارز آن اجرای «طرح بین‌المللی حفاظت از تالاب‌های ایران» است که سازمان حفاظت محیط زیست آن را با حمایت ۲/۹

دولت‌ها نیز تأمین و تضمین شود (Timoshenko, 1988, p.458). یکی از

اقدامات مهم در این خصوص ارائه کمک‌های مالی و فنی بالاخص از کشورهای توسعه یافته به کشورهای مواجه با مشکل زیست‌محیطی است. کشورهای در حال توسعه کمک‌های مالی را از کشورهای توسعه یافته بدین منظور دریافت می‌کنند که در انجام پروژه‌های توسعه‌ای (الف) از صدمه به محیط زیست اجتناب ورزند. و (ب) مفاهیمی همچون انصاف بین‌نسلی را نیز در نظر داشته باشند (Subedi, 2006, p.33).

اصول ۱۲ و ۲۰ اعلامیه استکهلم ارائه کمک‌های فنی بین‌المللی برای کشورهای در حال توسعه در جهت نیل به توسعه پایدار را مطرح می‌سازد. به موجب ماده ۵ کنوانسیون رامسر نیز کلیه دولت‌های متعاقد بایستی در خصوص نحوه اجرای تعهدات ناشی از کنوانسیون با یکدیگر مشورت کنند. از این رو به موجب مفاد این ماده و اصول و قواعد کلی حقوق بین‌الملل محیط زیست، کلیه دولت‌های طرف معاهده کنوانسیون رامسر بایستی با همکاری ایران برای حل این معضل زیست‌محیطی تالاب ارومیه همکاری کنند. البته در این خصوص نیز ابتکار عمل بایستی

میلیون دلاری برنامه عمران ملل متحد و صندوق تسهیلات جهانی محیط زیست در دو حوزه دریاچه ارومیه و دریاچه پریشان آغاز کرده است. اجرای این طرح با پشت سر گذاردن فاز طراحی در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۵ رسماً آغاز گردید و تا ۲۰۱۲ طول خواهد کشید.^(۲۰)

۴-۲-۳- صندوق تالاب‌ها:

مستقیم‌ترین منبع مالی در دسترس برای تأمین هزینه‌های مالی حل بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه صندوق حفاظت از تالاب‌هاست. این صندوق در سال ۱۹۹۰ توسط «کنفرانس دولت‌های عضو» کنوانسیون رامسر به منظور کمک به کشورهای در حال توسعه در اجرای تعهداتشان به موجب کنوانسیون رامسر ایجاد شده است. این صندوق بنا به درخواست کشورهای در حال توسعه برای حمایت از برنامه حفاظت از تالاب‌ها به یکی از سه شکل زیر عمل می‌نماید: توسعه مدیریت سایت‌های مندرج در فهرست رامسر؛ ثبت سایت‌های جدید؛ ترویج استفاده معقول.^(۲۱) لذا ایران می‌تواند برای حل مسائل زیست‌محیطی تالاب ارومیه از کمک‌های مالی صندوق تالاب‌ها نیز استفاده نماید.

فرجام

انجام پروژه‌های توسعه‌ای متعدد در حوزه دریاچه ارومیه نظیر احداث بزرگراه شهید کلانتری و سدهای مخزنی متعدد روی رودخانه‌های تأمین‌کننده آب دریاچه، تعادل اکولوژیک و هیدرودینامیک دریاچه ارومیه را برهم زده و در چارچوب کنوانسیون رامسر مغایر با تعهد به ترویج استفاده معقول قلمداد می‌شود. ناکارآمدی سیستم‌های ارزیابی آثار زیست‌محیطی، شروع پروژه‌ها قبل از ارائه نتایج ارزیابی زیست‌محیطی، عدم انتشار و اطلاع رسانی نتایج حاصله به عموم، عدم استفاده از بهترین تکنولوژی‌های موجود و ... از سایر موارد مغایرت با اصول و قواعد زیست‌محیطی است که در نهایت حیات این تالاب پرارزش را هر چه بیشتر در مخاطره قرار داده است.

ایجاد تعادل میان حقوق محیط زیست و توسعه اقتصادی مطلوب‌ترین شیوه برای حفاظت از دریاچه ارومیه است. مطمئناً توسعه اقتصادی که متضمن لطمات شدید به محیط زیست دریاچه ارومیه باشد، توسعه ناپایدار بوده و مغایر با اصل ۵۰ قانون اساسی است. ایران به عنوان کشور مبدأ کنوانسیون رامسر بایستی تلاش کند رویکردهای مثبتی در خصوص استفاده معقول از این تالاب

پانوشته‌ها:

۱. برای مطالعه بیشتر به منبع زیر رجوع شود:
<http://treaties.un.org/doc/Publication/UNTS/Volume0996/volume-996-I-14583-English.pdf>
۲. برای مطالعه بیشتر به منبع زیر رجوع شود:
 COP1 in Cagliari, Italy (24-29 November 1980); COP2 in Gröningen, the Netherlands (7-12 May 1984); COP3 in Regina, Canada (27 May-5 June 1987); COP4 in Montreux, Switzerland (27 June-4 July 1990); COP5 in Kushiro, Japan (9-16 June 1993); COP6 in Brisbane, Australia (19-27 March 1996); COP7 in San José, Costa Rica (10-18 May 1999); COP8 in Valencia, Spain (18-26 November 2002); COP9 in Kampala, Uganda (8-15 November 2005); and COP10 in Changwon, Republic of Korea (28 October-4 November 2008).
۳. برای مطالعه بیشتر به منبع زیر رجوع شود:

۴. دبیرخانه کنوانسیون رامسر با دبیرخانه‌های کنوانسیون تنوع بیولوژیکی، کنوانسیون میراث مشترک جهانی یونسکو، کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با بیابان‌سازی، کنوانسیون سازمان ملل برای تغییرات اقلیمی، برنامه بشر و بیوسفر یونسکو، برنامه

داشته باشد. در گام اول ایران بایستی در قوانین اقتصادی و زیست‌محیطی خود بازنگری اساسی کند و عوامل منجر به استفاده غیر معقول از تالاب‌ها را رفع کند. دوم اینکه ایران بایستی مفهوم استفاده معقول را به درستی در سیاست‌های زیست‌محیطی خود درج کند. سوم، سیستم ارزیابی‌های زیست‌محیطی خود را ارتقاء دهد. چهارم بایستی یک هماهنگی کامل میان ارگان‌های متولی امر حفاظت از محیط زیست و سازمان‌های متولی امر توسعه اقتصادی در حوزه تالاب‌ها صورت گیرد.

اما محیط زیست فراتر از دغدغه ملی، دغدغه جهانی نیز هست و در تحلیل نهایی نه متعلق به یک کشور، بلکه متعلق به کل بشریت است. قبول حق و تکلیف در جامعه بین‌المللی در خصوص محیط زیست حاکی از این دغدغه مشترک است. از این رو جامعه بین‌المللی هم در قبال معضل زیست‌محیطی دریاچه ارومیه مسئول بوده و تعهداتی بر عهده دارد. کلیه کشورهای دنیا، بالاخص کشورهای عضو کنوانسیون رامسر و سازمان‌های بین‌المللی مربوطه بایستی در راستای حل معضل زیست‌محیطی دریاچه ارومیه در قالب کمک‌های فنی، مالی و کارشناسی با ایران همکاری کنند.

محیط زیست سازمان ملل متحد و سازمان فائو روابط نزدیکی دارد.

http://www.ramsar.org/cda/en/ramsar-about-synergy/main/ramsar/1-36-192_4000_0

۵. دفتر ثبت مونترو بر اساس توصیه نامه ۴.۸ کنفرانس طرف‌های متعاقد در سال ۱۹۹۰ ایجاد شده است. فعلاً (15/06/2010) ۵۱ سایت رامسر در لیست مونترو درج شده‌اند.

۶. برای مطالعه بیشتر به منبع زیر رجوع شود:

Third Meeting of the Conference of the Contracting Parties, Regina, Canada, Recommendation 3.3 on Wise Use of Wetlands, Annex to the Regina Recommendations (May 27-June 5, 1987), http://www.ramsar.org/key_rec_3.3.htm

۷. قضیه مربوط به ایجاد یک تفرجگاه بزرگ نزدیک تالاب LAC در جزیره برونایر می‌باشد که در اوایل دهه ۱۹۸۰ به عنوان یک تالاب در سایت رامسر ثبت شده بود. اختلاف بر سر این مسئله بود که آیا مجوز صادر شده برای ایجاد این تفرجگاه بایستی با لحاظ تأثیرات زیست محیطی اجرای پروژه باشد یا نه. پادشاه هلند به اصل استفاده معقول و تکلیف به مطلع بودن از تغییر در ویژگی‌های اکولوژیکی تالاب مندرج در ماده ۳ کنوانسیون رامسر اشاره داشت. وی بعد از بررسی گایدلاین‌ها، قطعنامه‌ها و توصیه‌نامه‌ها در چارچوب کنوانسیون رامسر به این نتیجه رسید که به منظور جلوگیری از ورود صدمه به تالاب قبل از اجرای هر پروژه‌ای ابتدا بایستی ارزیابی زیست محیطی صورت گیرد و نتایج آن مورد لحاظ قرار گیرد. قضیه برونایر

در رویه داخلی اوج توجه را به کنوانسیون رامسر نشان می‌دهد. در این قضیه پادشاه مرجع صالح را مجبور به لغو تصمیمات و حذف تمامی اقدامات و کارهایی که در نتیجه صدور مجوز اتخاذ شده بود نمود. نکته حائز اهمیت در این قضیه توجه به اسناد قوام‌نیافته در تفسیر تعهدات معاهده‌ای است.

۸. در این رای دیوان به کرات به ارزیابی تأثیرات زیست محیطی پرداخته و تعهد به رعایت آن را برجسته نموده است. دیوان اهمیت این گونه ارزیابی‌ها را ارتقاء داده و عنوان می‌دارد که انجام ارزیابی تأثیرات زیست محیطی از چنان جایگاهی برخوردار است که انجام آنها در مواقعی که فعالیت‌های صنعتی ممکن است تأثیرات منفی روی محیط زیست بالاخص تأثیرات فرامرزی در حوزه منابع مشترک داشته باشد، ضروری است. البته دیوان در این قضیه حتی فراتر رفته و ارزیابی زیست محیطی را در کل طول دوره‌ای که پروژه در حال اجراست نیز لازم می‌شمارد. دیوان دو الزام را برای این گونه ارزیابی‌ها لازم می‌شمارد: اولی این است که هر گونه ارزیابی بایستی مکان‌های جایگزین را برای احداث و اجرای پروژه تعیین کند که به زعم دیوان شواهد نشان نمی‌دهد که اروگونه چنین عملی را انجام نداده است. ثانیاً بایستی افراد متأثر از اجرای پروژه نیز از نتایج این ارزیابی مطلع شوند. دیوان جای تعجب است که برخلاف قواعد حقوق بین الملل محیط زیست چنین تعهدی را نمی‌پذیرد، هر چند که عنوان می‌دارد اروگونه چنین کاری را نیز انجام داده است. دیوان ارزیابی تأثیرات زیست محیطی را نهایتاً به عنوان یک رویه‌ای که تبدیل به یک تعهد در حقوق بین الملل عام شده، به رسمیت شناخته

دریاچه قوچی (۱۹۷۵-۱۶) دریاچه ارومیه ۱۹۷۵-
 (۱۷) دریاچه پریشان و دشت ارژن (۱۹۷۵-۱۸) شبه
 جزیره میانکاله و خلیج گرگان (۱۹۷۵-۱۹) تالاب‌های
 نیریز و کمجان (۱۹۷۵-۲۰) تالاب شادگان خور الامیه
 و خور موسی (۱۹۷۵-۲۱) جزیره شیدور ۱۹۹۹-
 (۲۲) تالاب‌های شورگل، یادگارلو، و دورگه
 سنگی ۱۹۷۵.

<http://www.ramsar.org/pdf/sitelist.pdf>

۱۱. تالاب ارومیه در سایت رامسر به شماره زیر ثبت
 شده است:

Lake Urmia [or Orumiyeh] ۷۵ / ۰۶ / ۲۳ A
 zarbayjan-e Gharbi ۴۸۳,۰۰۰ ha ۳۷°۳۰' N
 ۰۴۵°۳۰' E

۱۲. (۱) تالاب انزلی (۱۹۹۳-۲) انتهای جنوبی هامون
 پوزک (۱۹۹۰-۳) هامون صابری و هامون هیرمند
 (۱۹۹۰-۴) تالاب‌های نیریز و کمجان (۱۹۹۰-۵) تالاب
 شادگان خور الامیه و خور موسی (۱۹۹۳-۶) تالاب‌های
 شورگل، یادگارلو، و دورگه سنگی ۱۹۹۰. لازم به ذکر
 است که تالاب‌های آلاگل، آلماکل، آجی گل واقع در
 استان گلستان در سال ۱۹۹۳ در فهرست مونترو ثبت
 شده بوده است که به دلیل بهبود وضعیت تالاب در
 سال ۲۰۰۹ از فهرست مونترو خارج شد

http://www.ramsar.org/cda/en/ramsar-documents-montreux-montreux-record-main/ramsar/1-31-118%5E20972_4000_0_

۱۳. دریاچه ارومیه با دو نوع تهدید مواجه است: الف)
 تهدیدات بیرونی: کاهش جریان ورودی، رقابت بر سر
 استفاده و تخصیص منابع آب، آلودگی آب، افزایش
 رسوبات ورودی، کاهش جریان آب‌های زیر زمینی،

است؛ در عین حالی که اظهار می‌دارد که حقوق
 بین‌الملل عام محتوی و قلمرو چنین ارزیابی را
 مشخص نمی‌سازد.

۹. دو نوع معیار جدید و قدیم برای شناسایی
 تالاب‌های با اهمیت بین‌المللی وجود دارد:
 الف) معیارهای قدیم: (۱) معیارهای مربوط به
 تالاب‌های معروف و منحصر به فرد (۲) معیارهای
 عمومی براساس گیاهان و جانوران (۳) معیارهای ویژه
 بر اساس پرندگان آبی (۴) معیارهای ویژه بر اساس
 ماهی‌ها. ب) معیارهای جدید: (۱) معیارهای مرتبط با
 گونه‌ها و جوامع اکولوژیکی (۲) معیارهای ویژه بر
 اساس پرندگان آبی (۳) معیارهای ویژه بر اساس
 ماهی‌ها. دریاچه ارومیه به جز معیار ماهی‌ها از لحاظ
 سایر معیارها به عنوان یک تالاب با اهمیت بین‌المللی
 در فهرست تالاب‌های کنوانسیون رامسر ثبت گردیده
 است. همه سایت‌های رامسر ایران به جز فریدون‌کنار
 با معیارهای قدیم به کنوانسیون رامسر معرفی شده‌اند.
 ۱۰. تالاب‌های ایرانی ثبت شده در کنوانسیون رامسر
 عبارت‌اند از: (۱) تالاب‌های آلاگل، آلماکل، آجی
 گل (۱۹۷۵-۲) تالاب امیر کلابه (۱۹۷۵-۳) مجموعه
 تالاب انزلی (۱۹۷۵-۴) کلاب بندر کیانشهر و دهانه
 سفید رود (۱۹۷۵-۵) دهانه رودهای گز و حرا (۱۹۷۵-
 ۶) دهانه رودهای شور و شیرین و میناب (۱۹۷۵-
 ۷) آب‌بند‌های فریدون‌کنار از باران و سرخ رود (۲۰۰۳-
 ۸) تالاب گاوخونی (۱۹۷۵-۹) تالاب گمیشان (۲۰۰۱-
 ۱۰) تالاب خلیج گواتر و حور باهر (۱۹۷۵-
 ۱۱) انتهای جنوبی هامون پوزک (۱۹۹۹-۱۲) هامون
 صابری و هامون هیرمند (۱۹۷۵-۱۳) (۱۴)
 خورخوران (۱۹۷۵-۱۴) تالاب قوریگل (۱۹۷۵-۱۵)

معرفی گونه‌های غیر بومی، اخلال و مزاحمت برای حیات وحش (ب) تهدیدات درونی: ایجاد اخلال در هیدرودینامیک دریاچه، تغییر کاربری زیستگاه‌ها، کاهش کیفیت آب، گونه‌های خارجی، ایجاد اخلال برای حیات وحش، افزایش فشار بر منابع.

۱۴. ناصر آق، استاد پژوهشکده آرمیا و جانوران آبی اظهار کرد: از سال ۷۷ با آغاز بحران خشکسالی تولید این آبی سخت پوست سال به سال کمتر شد و هم‌اکنون نسبت به بهترین زمان نزدیک به ۱۰۰ برابر تعداد آرمیا در دریاچه ارومیه کاهش یافته است که ادامه شرایط بحرانی دریاچه می‌تواند آرمیا را همراه با خود دریاچه از بین ببرد.

۱۵. هم‌اکنون پنج سد مهاباد، شهرچایی ارومیه، سد ماکو، حسنلوی نقده و شهید کاظمی بوکان در آذربایجان غربی وجود دارد که این تعداد یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون متر مکعب از آب‌های جاری استان را مهار کرده است. این در حالی است که ۱۱ سد دیگر در حوزه آبریز دریاچه ارومیه با ظرفیت کلی یک میلیارد و ۵۴۳ میلیون متر مکعب در دست احداث می‌باشد که از این تعداد هفت سد به ظرفیت ۲۳۵ میلیون متر مکعب تا پایان امسال مورد بهره‌برداری قرار خواهند گرفت. در همین حال هفت سد دیگر نیز در آذربایجان غربی در دست مطالعه هستند که با بهره‌برداری از این سدها نیز ۵۵۸ میلیون متر مکعب از آب‌های سطحی استان مهار خواهد شد.

۱۶. نگاه کنید به آدرس زیر:

<http://www.khabaronline.ir/news-387.aspx>

۱۷. در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی

رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

۱۸. بانک توسعه آسیایی در سال ۱۹۶۵ تحت حمایت سازمان اسکاپ ESCAP ایجاد شد. این بانک از همان ابتدا مبادرت به ایجاد اداره محیط زیست نمود و در نوامبر ۲۰۰۲ یک سند راهبردی زیست‌محیطی جدید تهیه نمود. این بانک رهنمودهایی برای درج ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی در چرخه پروژه‌ها دارد.

۱۹. بانک توسعه اسلامی در سال ۱۹۷۳ به منظور تسریع روند پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای مسلمان عضو ایجاد شد. این بانک نظیر سایر بانک‌های توسعه‌ای وام‌های برای کشورهای عضو اعطاء می‌کند. البته این بانک انجام ارزیابی‌های زیست‌محیطی را قبل از تخصیص اعتبار لازم می‌داند.

۲۰. نگاه کنید به آدرس زیر:

<http://www.isslr.org/lakes/lakes.asp>

۲۱. برای مطالعه بیشتر به آدرس زیر رجوع شود:

4th Meeting of the Conference of the Contracting Parties Montreux, Switzerland 27 June – 4 July 1990, Resolution 4.3: A Wetland Conservation Fund. Available at: http://www.ramsar.org/pdf/res/key_res_4.3e.pdf

۱۱. نظری دوست، علی (۱۳۸۸)، حفاظت از تالاب‌ها؛ سازگاری با تغییرات اقلیمی، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، **ویژه نامه روز جهانی تالابها**، بولتن شماره ۷.

منابع لاتین

12. Abatzopoulos Theodore J. and Others (2006), Quality Evaluation of Artemia Urmiana Giinther (Urmia Lake, Iran) With Special Emphasis on Its Particular Cyst Characteristics (International Study on Artemia Lxix), *Aquaculture*, No 254.
13. Craik Neil (2008), *The International Law of Environmental Impact Assessment: Process, Substance and Integration*, Cambridge University Press.
14. Farantouris Nikolaos E (2009), The International and EU Legal Framework for The Protection of Wetlands With Particular Reference to The mediterranean Basin, *Mjicel*, Vol. 6.
15. Farrier David and Linda Tucker (2000), Wise use of wetlands under the Ramsar Convention: A challenge for meaningful, *Journal of Environmental Law*, Vol. 12, No. 1.
16. Koskenniemi Martti (2006), *International Law Commission, Studies Group on Fragmentaion, Fragmentation of International Law*. available at : http://untreaty.un.org/ilc/sessions/55/fragmentation_outline.pdf

منابع فارسی

۱. البوت، دیوید (۱۳۸۴)، **انرژی، جامعه و محیط زیست**، بهرام معلمی، تهران: انتشارات کمیته ملی توسعه پایدار.
۲. باقر زاده کریمی مسعود و مهبد روحانی روانکوهی (۱۳۸۶)، **راهنمای تالاب‌های ایرانی ثبت شده در کنوانسیون رامسر**، تهران: انتشارات روز نو.
۳. تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۴)، **حقوق محیط زیست در ایران**، تهران: انتشارات سمت.
۴. صدوق محمدباقر (۱۳۸۸)، مدیریت زیست بومی در خدمت تامین پایدار نیازهای انسانی، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، **ویژه نامه روز جهانی تالابها**، بولتن شماره ۷.
۵. سازمان حفاظت محیط زیست (۱۳۸۹)، **برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه**، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
۶. طرح حفاظت از تالاب‌های ایران (۱۳۸۸)، باور سخت نابودی زیستی تالابها، **ویژه نامه روز جهانی تالابها**، بولتن شماره ۷.
۷. عباس نژاد، حسن (۱۳۸۹)، احتمال خشکی کامل دریاچه ارومیه، **هفته نامه سراسری سایه تهران**، سال هفتم، شماره ۲۸۲.
۸. کیس الکساندر و دیگران (۱۳۷۹)، **حقوق محیط زیست**، محمد حسن حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول.
۹. گوندلینگ لوتار و دیگران (۱۳۸۱)، **حقوق محیط زیست در ایران**، محمد حسن حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم.
۱۰. مولدان بدریچ و سوزان بیلهارز (۱۳۸۱)، **شاخص‌های توسعه پایدار**، نشاط حداد تهرانی و ناصر محرم نژاد، تهران: انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست.

- Conservation and Management of Wetlands In India*, India: New Delhi.
24. *Third Meeting of the Conference of the Contracting Parties*, Regina, Canada, Recommendation 3.3 on Wise Use of Wetlands, Annex to the Regina Recommendations (May 27-June 5, 1987), http://www.ramsar.org/key_rec_3.3.htm
25. *ICJ Reports*, Case Concerning Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina V. Uruguay) 20 April 2010 Judgment. <http://www.Icj-Cij.Org/Docket/Files/95/7521.Pdf>
26. Wildfowl & Wetlands Trust, Wetland Conservation Legislation and Responsibilities, 2002. http://www.wwt.org.uk/old_files/uploads/legislation.pdf
27. Dissenting Opinion of Judge Weeramantry in ICJ Rep, "*Advisory Opinion on The Legality of The Treat or Use of Nuclear Weapons*", 8 Jul, 1996.
28. 4th Meeting of the Conference of the Contracting Parties Montreux, Switzerland 27 June – 4 July 1990, Resolution 4.3: A Wetland Conservation Fund. Available at: http://www.ramsar.org/pdf/res/key_res_4.3e.pdf
17. Kruchek Beth L.(2003), Extending Wetlands Protection Under The Ramsar Treaty's Wise Use Obligation, *Arizona Journal of International and Comparative Law*, Vol. 20, No. 2.
18. Sands QC, Philippe (2003), *Principles of International Environmental Law*, Cambridge University Press.
19. Schrijver Nico & Friedl Weiss (2004), *International Law and Sustainable Development: Principles and Practice*, Martinus Nijhoff Publishers.
20. Subedi S.P. (2006), *International Economic Law Section A: Evolution and principles of international economic law*, Revised version, University of London Press.
21. Timoshenko Alexandre S. (1988), Protection of Wetlands by International Law, *Pace Environmental Law Review*, School of Law of Pace University.
22. Verschuren Jonathan(2008), *Ramsar Soft Law is'nt Soft at All*, discussion of the 2007 decision by the netherlands crown on the LAC ramser site on the island bronaire, available at: <http://ssrn.com/abstract=1306982>
23. Ministry of Environment and Forests Government of India (2009), Conservation and Survey Division, *National Wetland Conservation Programme Guidelines for*

